آيت الله العظمي بروجردي قدس سره الشريف عزت و افتخار شيعه

ر . طالبي

اگر كتاب زندگي بزرگ مرد تاريخ و مرجع عالي قدر، فقيه عالم تشيع حضرت آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه)، را ورق بزنيم، آن چه بيش از همه چشم هر بصيرت بين را به خود مجذوب مي‌كند و هر صاحب خردي را به تحسين وا‌مي‌دارد، خدمات فوق العاده بي نظير و بسيار پرارزشي است كه آن مرد بزرگ در طول عمر شريفش براي اسلام و عالم تشيع داشته‌اند. خدماتي كه نه در اعصار قبل و نه در سال‌هاي بعد از ايشان مثل و مانندش ديده نشده، آن فقيه مجاهد و آن عالم وارسته، مصداق حقيقي عبارت حافظاً لدينه بود و در راه حفظ و اعتلاي دينش عمر و مال و جان و همه چيزش را سرمايه كرد و سرسوزني از تلاش براي نشر و تبليغ دين فروگذار نكرد.

شيعه‌اي كه يك زماني جرأت نداشت حتي بين مسلمانان غير شيعه نام مذهب خود را به زبان آورد و حتي بسياري از مسلمانان اهل سنت، شيعيان را مشرك مي‌دانستند، در عصر آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) آن چنان عزتي يافت كه حتي علماي اهل سنت و دانشمندان اهل كتاب براي خود افتخار مي‌دانستند كه براي يك بار هم كه شده با اين مرجع عظيم الشأن جهان تشيع ملاقاتي داشته باشند.

شيعه‌اي كه در زمان رضاخان ملعون تبليغش حتي در شهر قم هم سركوب مي‌شد، با تلاش‌ها و مجاهدت‌هاي آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) و عنايات امام زمان(عليه‌السلام)، آن چنان اعتلايي يافت كه مرزهاي كشورها و حتي قاره‌ها را پشت سرگذاشت و براي اولين بار مبلغين مذهب تشيع پاي به اروپا و آمريكا نهادند و در قلب عالم كفر به ترويج شريعت علوي پرداختند.

هر چند در عصر آيت الله العظمي بروجردي (رحمةالله‌عليه)، بي بند و باري زنان، اشاعه‌ي فحشاء در مملكت، سلطه‌ي بهائيت بر جامعه‌ي اسلامي، رواج منكرات و دين ستيزي و انواع بلاياي ديگر اصل و شيرازه‌ي دين را تهديد مي‌كرد و مانعي مهم در جهت پيشرفت بود ولي با خواست خدا و همت عالي آن مرجع عالي مقام شيعه در عصر ايشان توفيقات چشمگيري يافت و به عنوان مكتبي بسيار عالي و غني و عاري از هرگونه انحراف به مردم دنيا معرفي شد و آيين نبوي و علوي از مهجوريت هزار ساله بيرون آمد.

خدمات عظيم آيت الله العظمي بروجردي (قدس سره) ‌ ‌

همان طور كه در شماره‌هاي قبلي مجله اشاره شد هدف مرحوم آيت الله العظمي حائري (رحمةالله‌عليه) از تأسيس حوزه علميه قم، اين بود كه اين مكان مقدس به مركز تعليم و تربيت مردم مسلمان و مبارزه با خرافات و انحرافات عقيدتي و زنده نگه دارنده‌ي روح اسلام و حقايق مذهب تشيع بدل شود و در آن، فضلاء و دانشمنداني تربيت شوند كه مردم را ارشاد و هدايت كنند و از انواع مفاسد و گمراهي‌ها در جامعه‌ي مسلمين جلوگيري نمايند.

اما در زمان آيت الله العظمي حائري يزدي (قدس سره)، دشمنان دين ستيز و شياطين انسي و جني بسيج شده بودند تا نهال نوپاي حوزه علميه را از ريشه قطع كنند لذا تمام همت و تلاش آن مرحوم بر اين شد تا اصل حوزه و دين را حفظ نمايد ولي فرصتي براي گسترش و تعالي حوزه علميه نيافت.

نه سال پس از رحلت آيت الله العظمي حائري يزدي نورالهي، آسمان ايران و جهان تشيع را روشن كرد و آيت الله العظمي بروجردي (رحمةالله‌عليه) در شهر مقدس قم كه مركز نورافشاني به جهان اسلام بود مستقر شد.

حوزه‌ي علميه حياتي نو يافت و خوني تازه در رگ‌هاي آن جاري گشت. با همت و توكل آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) كه بعدها به خاطر خدمات شايان توجهش در حوزه‌ي علميه، آيت الله مُجَدِّد (تجديد كننده اسلام) نام گرفت، انقلاب عظيمي در حوزه علميه به وقوع پيوست و يك حوزه‌ي بي تحرك و كم حال، ظرف چند سال حضور آيت الله مجدد به دانشگاهي تبديل شد كه در آن معارف حقه آيين تشيع، استخراج، تدريس و تدوين مي‌گشت و توسط فضلايي دانشمند در سراسر گيتي منتشر مي‌شد.

با پشت سرگذاشتن خفقان رضاخاني و با همت آيت الله مجدد، حوزه علميه قم به قبله‌ي عالم تشيع بدل شد كه تعداد طلاب آن از دو هزار نفر به شش هزار نفر رسيد و گويا دانشگاه امام صادق(عليه‌السلام) پس از هزار سال دوباره برپاگشت و نائب به حق امام زمان(عليه‌السلام)، آيت الله سيد حسين بروجردي (رحمةالله‌عليه)، در آن، معارف صادقيه و حكمت‌هاي فاطميه را براي طلاب جوان تبيين و تدريس مي‌كرد. اين دانشگاه عظيم همچو آئينه اي نور اسلام ناب محمدي، معنويت و علم علوي را در تمام جهان منعكس كرد تا آرزوي رسول خدا در فراگير شدن اسلام حقيقي به تحقق نزديك شود و گامي بزرگ در جهت نهضت جهاني اسلام برداشته شود.

استقلال مادي حوزه

بعد از فوت آيت الله حائري (رحمةالله‌عليه) ديگر حوزه‌ي علميه استقلال مادي نداشت، گاه گاهي نماينده‌ي مرحوم آيت الله العظمي سيدابوالحسن اصفهاني (رحمةالله‌عليه) در تهران مبلغي پول ميان طلاب تقسيم مي‌كرد كه اين مبلغ كفاف مخارج را نمي‌كرد ولي با ورود آيت الله بروجردي به حوزه‌ي علميه‌ي قم و آغاز مرجعيت مطلقه‌ي ايشان، سيل وجوهات شرعيه به حوزه‌ي قم سرازير گشت. ‌ ‌

مقلدين ايشان از اقصي نقاط ايران و جاي جاي جهان از جمله؛ بحرين، كويت، پاكستان، عراق، هندوستان و ... به قم مي‌آمدند و وجوهات شرعيه‌ي خود را به حضرت آيت الله پرداخت مي‌كردند و همين سبب شد حوزه تمكّن مالي خوبي بيابد و با جهت دهي صحيح اين وجوهات اقدامات مؤثري انجام شود. از جمله اين كه همه‌ي طلاب علوم ديني، و حتي طلاب ديني ساير كشورها از جمله شهرهاي نجف و كربلا تحت تكفل حوزه‌ي علميه قم درآمدند.

طلاب بايد زمينه ساز حكومت جهاني امام زمان(عليه‌السلام) باشند

از ديرباز طرز فكر اين طور بوده كه حوزه، مكاني است كه جمعي از طلاب در آن مباني فقه و احكام شريعت را مي‌آموزند و سپس با سفر به شهرها و قريه‌ها براي مردم احكام و مسائل شرعي را پاسخ مي‌گويند و تا آخر عمر نيز به اين امر اشتغال دارند. وليكن با حضور آيت الله مجدد اين طرز فكر اصلاح شد و خط مشي جديدي براي حوزه تبيين گشت. از نظر آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) هرچند استخراج و بيان احكام از مهم‌ترين وظايف حوزه است اما وظيفه‌ي اصلي حوزه زمينه سازي براي حكومت جهاني امام زمان(عليه‌السلام) بر كره‌ي زمين است و حوزه بايد پايگاهي باشد كه حركت عظيم آماده سازي دنيا براي دولت حقه‌ي امام زمان(عليه‌السلام) از آن جا تبيين و سازماندهي شود و تربيت طلاب نيز در همين جهت صورت گيرد. لذا طلاب تربيت شده در اين پايگاه هر يك سربازي فدايي براي امام زمانشان خواهند بود كه ظهور آن حضرت را تسريع مي‌كنند.

مجله‌ي اطلاعات هفتگي منتشره در تاريخ 18 فروردين 1340 مي‌نويسد:

“طي 15 سال رياست عاليه‌ي حضرت آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه)، حوزه [‌علميه قم‌] به سرعت راه ترقي و نيرومندي را پيموده و تحولي بزرگ و بي سابقه در چگونگي تربيت شاگردان اين دانشگاه بزرگ روحاني پديدار شده است. بدين ترتيب نسل جديدي از طلاب، علم پرورده شدند كه بسياري روشنفكر و قادر به فهم تحولات علمي، اجتماعي، موقع شناس و آشنا به سياست جهاني و علوم جديدند. اين دسته ظاهرشان آراسته‌تر و ملعوماتشان مفيدتر است و براي معرفي حقيقت اسلام و شيعه به جهانيان نيز صلاحيتشان محرز است، افراد اين نسل جديد بعضي، يكي دو زبان خارجي را فرا گرفته و كتاب‌هاي علمي، اجتماعي و سياسي را با دقت و روشن بيني خاصي مطالعه مي‌كنند”.

آري به دنبال سياست جديد حوزه در جهت جهاني كردن نهضت تشيع، ديگر طلاب علوم ديني فقط براي منبر و خطابه در قريه‌ها و روستاها تربيت نمي‌شدند بلكه برنامه‌ي حضرت آيت الله بروجردي اين بود كه دانشمنداني تربيت كند كه اهل معنويت و آشنا به علوم روز و هر يك بازويي توانا براي اسلام باشند و فرهنگ تشيع و اسلام ناب را به سراسر جهان صادر نمايند.

نهضت كتاب نويسي

يكي از خدمات مهم حضرت آيت الله، به عالم علم و دين، تشويق طلاب به نويسندگي و تأليف كتاب بود. آيت الله فقيد با آن انديشه‌ي بلندي كه داشت به خوبي مي‌دانست كه در دنيايي كه كتاب مهم‌ترين منبع اطلاعاتي است و مطالبش هميشه قابل بازخواني است و از طرفي، شياطين براي ترويج كفر و بي ديني و ايجاد انحرافات عقيدتي، كتب و نشريات را وسيله‌ي كار خود قرار داده‌اند، بايستي طلابي كه قرار است حافظ دين مردم باشند براي مبارزه عليه حركت رو به رشد انحرافات، دست به قلم ببرند و حقايق و معارف ناب دين را در قالب كتاب بيان كنند تا هر جوياي حقيقتي بتواند از آب زلال معارف اهل بيت (عليهم‌السلام) بهره مند شود.

به همين دليل حضرت آيت الله، طلاب نويسنده را بسيار اكرام و احترام مي‌كرد و برخوردهاي بسيار پرمحبتي با آن‌ها داشت و تقريباً اكثر كتاب‌هاي تأليفي توسط طلاب را مطالعه مي‌نمود و انتقادها و پيشنهادهاي خود را به آن‌ها مي‌رساند و به نويسندگان فعال و ارزشمند جايزه اهدا مي‌كرد.

لذا در عصر آيت الله، مهم‌ترين صادرات شهر قم كتاب بود و سالانه ده‌ها هزار جلد كتاب از آن جا به نقاط مختلف دنيا صادر مي‌شد.

ساده نويسي در تأليف كتاب

نكته‌ي قابل توجهي كه توجه به آن بسيار مهم و براي همه‌ي ما درس است، اين است كه آيت الله العظمي بروجردي (قدس سره‌) به ساده نويسي در تأليف كتاب اهميت خاصي مي‌داد و هرگاه مي‌ديد طلاب كتابي پر از اصطلاحات درشت و دير هضم نوشته‌اند به آن‌ها انتقاد مي‌كرد و مي‌فرمود: “در تأليف كتاب از مشكل گويي و اصطلاح پردازي بپرهيزيد، چيزي بنويسيد كه همه‌ي طبقات استفاده كنند و اهل علم هم خرده نگيرند”.

احياء كتاب‌هاي ارزشمند قديمي

زنده كردن آثار علماء و بزرگان دين از جمله خدماتي بود كه آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) به عالم اسلام ارائه كردند. ايشان براي علما ارزش و احترام زيادي قائل بودند لذا تلاش مي‌كردند تا آثار علمي و گنج‌هاي معنوي آن بزرگواران را از كنج كتاب خانه‌هاي شخصي بيرون آورند تا مطالب و معارفش در دسترس عموم طالبان حقيقت قرار گيرد و از خطر نابودي در امان بماند.

لذا با تلاش‌ها و مجاهدت‌هاي آن عالم بزرگ، كتاب‌هاي فراواني از آثار علماي گذشته خصوصاً كتاب‌هاي خطي، احياء و بسياري از آن‌ها به چاپ رسيده و منتشر گشت.

هم چنين آن مرحوم در جهت هدف مقدس نشر و گسترش معارف اهل بيت (عليهم‌السلام) حركتي پرشور و مجدّانه براي ترجمه‌ي كتب به راه‌انداخت و با حمايت‌ها و تشويق‌هاي فراوان ايشان، طلاب مسلّط به زبان عربي مشغول ترجمه‌ي كتب شدند و بدين ترتيب تعداد قابل توجهي از كتب اصيل و گنج‌هاي معرفتي به زبان فارسي ترجمه و در دسترس عموم مردم قرار گرفت تا همه بتوانند از حكمت‌هاي آن بهره مند شوند.

با دوري از تفرقه بين شيعه و سني، حقيقت تشيع شناخته مي‌شود

يكي از خصوصيات و صفات بارز آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) دلسوزي عجيب ايشان نسبت به اسلام و مسلمين بود، بزرگ‌ترين صدمه‌ي فكري و ناراحتي روحي براي ايشان موقعي پيش مي‌آمد كه مي‌شنيد مثلاً در فلان ناحيه براي مسلمين اتفاق ناگواري افتاده و يا در جايي به مسلماني آزاري رسيده و يا به مقدّسات اسلامي توهين شده است. اين گونه حوادث براي ايشان از همه چيز ناگوارتر و تحملش دشوارتر بود. حتي گاهي مي‌شد كه آن مرد رئوف آن چنان در باب مسائل و مشكلات مسلمين متأثر مي‌گشت كه از شدت ناراحتي تب مي‌كرد و چه بسا شب هايي كه ايشان در حمايت از حوزه‌ي دين و تأثّر و اندوه براي مسلمين تا صبح خواب به چشمش نمي‌رفت و به خاطر همين دلسوزي خاصي كه ايشان براي اسلام داشت مهم‌ترين دغدغه اش تفرقه‌ي هزار ساله بين شيعه و سني بود. او به خوبي مي‌دانست كه تفرقه و جدايي بين مسلمين، خواست و مطلوب شيطان است و تا كنون صدمه‌ي بسياري از اين بابت به اسلام وارد شده است.

ايشان مي‌فرمود: تفرقه‌ي بين مسلمين و دوري شيعه از ساير فرق سبب شده كه آن‌ها شيعه را نشناسند و تصوراتي دور از حقيقت در مورد آن داشته باشند. لذا آيت الله العظمي بروجردي (رحمةالله‌عليه) علاقه بسياري داشت كه حسن تفاهمي بين شيعه و اهل تسنن برقرار شود تا ضمن ايجاد رابطه‌ي دوستانه، حقايق و معارف ناب مذهب تشيع به جامعه‌ي اهل تسنن كه اكثريت مسلمين را تشكيل مي‌دهند عرضه شود.

با آغاز رياست شيخ شلتوت بر "جامعة الأزهر" روابط دوستانه افزايش چشمگيري يافت و نامه‌هاي دوستانه‌ي بسياري در آن زمان بين شيخ شلتوت و آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) به عنوان زعيم شيعه مبادله گرديد.

فتواي تاريخي

بزرگترين منفعت روابط دوستانه بين آيت الله و "شيخ شلتوت" فتواي معروف و تاريخي "شيخ شلتوت" در به رسميت شناختن مذهب تشيع بود.

بعد از گذشت هزار سال از ظهور اسلام اين براي اولين بار بود كه عالمي سني آن هم در آن درجه و مقام، آئين تشيع را به رسميت شناخت و فتوا داد كه عمل به مذهب تشيع همانند مذاهب اربعه‌ي اهل سنت جايز است.

و اين مهم حاصل نگشت مگر با دلسوزي‌هاي شبانه روزي آيت الله در جهت وحدت مسلمين. البته علاوه بر دلسوزي و جديت آيت الله در اين جهت، عامل مهم ديگري نيز تأثير فوق العاده‌اي در شكل گيري اين دوستي و برادري داشت و آن كمالات روحي و مكارم اخلاقي آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) بود.

جذابيت شخصيت آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) براي علماي اهل سنت

هرگاه كسي از علماي اهل تسنن به ملاقات آيت الله مي‌آمد مجذوب كمالات و معنويت آن بزرگوار مي‌شد. شيخ" حسن باقوري" يكي از دانشمندان معروف مصري يك بار براي ملاقات با آيت الله به قم آمد، وقتي پس از ملاقات از وي پرسيدند آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) را چگونه ديدي، گفت: “أعظمُ شخصية رأيتُهُ في عمري”: ”ايشان بزرگترين شخصيتي است كه من در عمرم ديده‌ام”.

همين مسئله سبب شد كه ديگر انديشمندان نيز مشتاق ملاقات با آيت الله شوند از جمله ابوالمجد نماينده‌ي مؤتمر اسلامي و دارالتقريب در قم و از شعراي معروف مصري به ملاقات آيت الله آمد. همين كه وارد اتاق ايشان شد آن چنان شيفته‌ي چهره‌ي زيبا و نوراني آيت الله گشت كه همان جا مؤدب نشست و سرش را خم كرد تا به سخنان آقا گوش دهد. ابوالمجد بعد از اين ملاقات آن چنان مجذوب شخصيت آيت الله شده بود كه همان شب قصيده‌اي زيبا در مدح ايشان سرود و به يكي از دوستان و مبلّغين تشيع بدل شد، به طوري كه حتي در ميان جمعيت‌هاي مخالف شيعه علاقه‌ي خود به تشيع و دوستي اش با شيعيان را اظهار مي‌كرد.

هر چند آيت الله تلاش بسياري براي برقراري وحدت و برادري بين مسلمين نمود ولي خودشان مي‌فرمودند: “آرزوهاي بسياري در اين زمينه داشتم كه محقق نشد”.

آن بزرگوار حتي در روزهاي پايان عمرشان در بستر بيماري نيز مدام به اهميت موضوع وحدت مسلمين تأكيد مي‌كردند و فقط از اين موضوع سخن مي‌گفتند و دوستانشان را به ادامه‌ي اين طريق مقدس و فراگير كردن برادري و مودّت تشويق مي‌نمودند.

صدور اسلام به اروپا و آمريكا

حضرت آيت الله معتقد بودند كه اگر حقيقت اسلام و معارف ناب آن‌كه از دو لب اهل بيت عصمت (عليهم‌السلام) صادر شده به جهانيان عرضه شود هر روح حقيقت جويي با جان و دل آن را خواهد پذيرفت و اسلام جهانگير مي‌شود. ايشان معتقد بود مردم دنيا تشنه‌ي معارفند و هيچ آب گوارايي بهتر از اسلام فاطمي و معارف صادقي نمي‌تواند عطش اين مردم را برطرف نمايد و اگر تا كنون اسلام آن طور كه بايد پيشرفت نداشته به اين علت بوده كه حقيقت اسلام به مردم معرفي نشده بلكه اسلامي مالامال از انحرافات و خرافات و بدعت‌ها به مردم عرضه شده كه بسياري هم آن را نپذيرفتند. آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) مي‌فرمود: “ما سرمايه‌ي فراوان داريم ولي وسيله‌ي پخش نداريم اگر اين سد شكسته شود و افراد جرأت رفتن به ديگر كشورها را پيدا كنند با اين همه احكام دقيق و جالبي كه ما داريم طولي نخواهد كشيد كه عالم متوجه اسلام مي‌شود و چون من يقين ندارم كه بعد از من كسي بتواند اين فكر را عملي كند لذا اين موضوع ذهنم را به خود مشغول كرده و سعي دارم اين فكر را عملي كنم”.

لذا آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) اولين نفري بود كه در عرصه‌ي تبليغ دين، مرز كشورها و بلكه قاره‌ها را در نورديد و كلمات گهربار اهل بيت (عليهم‌السلام) را توسط نمايندگان اش در اروپا و آمريكا و آفريقا در كشورها و شهرهاي مختلف، به گوش مردم جهان رساند.

اولين پايگاه تبليغ تشيع در هامبورگ آلمان تشكيل شد كه در آن جا نمايندگان آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) فعالانه در تلاش بودند تا اسلام را به مردم معرفي كنند، تشكيل جلسات قرائت و تفسير قرآن، برگزاري مراسم اعياد، تشكيل كلاس‌هاي درس اسلامي براي كودكان و نشر كتب و جزوات ديني به چند زبان از جمله اقدامات اين مركز بود.

آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) عنايت خاصي به فعاليت در هامبورگ داشتند و مي‌فرمودند: “اين اقدام به عنوان اولين قدم در تبليغ تشيع، بايد بهترين باشد. چون ما براي اولين بار است كه شيعه را به اروپا برده‌ايم، لذا بايد تصويري زيبا از آن به نمايش بگذاريم”. به همين دليل هنگامي كه صحبت خريد زميني 4000 متري در هامبورگ براي ساخت مسجد پيش آمد، آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) تأكيد داشتند كه چون كار براي آقا امام زمان(عليه‌السلام) است و اين مسجد متعلق به آن حضرت است بايد در بهترين جاي شهر هامبورگ و كنار دريا، جايي كه اعيان شهر زندگي مي‌كنند ساخته شود تا در شأن نام مقدس امام زمان(عليه‌السلام) باشد.

با نگاه عميق و توجهات حضرت آيت الله و فعاليت و تلاش فوق العاده‌ي حجت الاسلام "محققي" نماينده‌ي ايشان در هامبورگ فعاليت‌هاي آن مركز موفقيت‌هاي چشمگيري در پي داشت به طوري كه تقريباً در اكثر جلساتي كه براي معرفي اسلام در آن مركز تشكيل مي‌شد، چندين نفر از دانشمندان و اهل علم اروپايي شهادتين را گفته و مسلمان مي‌شدند. به طوري كه در مدت كوتاه فعاليت آقاي محققي در آلمان صدها نفر از پرفسورها و انديشمندان در همان مكان اسلام آوردند و مذهب حقه را پذيرفتند. عمق فعاليت‌هاي مركز هامبورگ به شكلي بود كه يكي از علماي مسيحي مي‌گويد: “اگر فعاليت‌هاي آقاي محققي در آلمان ادامه مي‌يافت همه‌ي مردم اروپا يكسره مسلمان مي‌شدند”.

علاوه بر مركز آلمان ديگر نمايندگي‌هاي مرجع عظيم الشأن جهان تشيع از جمله در "واشنگتن" و شهرها و كشورهاي مختلف دنيا همگي فوق العاده فعال بودند و آن چنان موفقيت هايي از تبليغات آن‌ها حاصل گشت كه حتي در زمان‌هاي قبل فكرش هم در مخيله‌ها خطور نمي‌كرد. ولي عزم و همت عالي آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) و نظر عنايت امام زمان(عليه‌السلام) باعث شد حركت "جهاني شدن اسلام" با اعزام مبلغين به جاي جاي جهان از لندن تا توكيو آغاز شود و افتخار اين حركت فوق العاده و اين خدمت با ارزش نصيب آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) شود. و اين بزرگ‌ترين خدمتي بود كه آيت الله در طول عمر شريفش به جهان اسلام نمود كه حتي نمونه اش هم قبل از ايشان ديده نشده بود. گذاشتن سنگ بناي جهاني شدن نهضت تشيع بزرگترين خدمتي بود كه آيت الله به جهان اسلام نمود و اين عمل در كارنامه‌ي اعمال آن بزرگوار همچو نوري مي‌درخشد و سند افتخاري است كه فقط و فقط به نام آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) رقم خورده و براي هميشه پيشرفت اسلام در جهان مرهون خدمات آن بزرگ مرد تاريخ است.

احداث هزار بناي خيريه

آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) از جمله كساني بود كه عمل به آيه‌ي: “فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ”؛[1] را پيشه‌ي خود كرده بود و در هر كار خيري كه مقدور و ممكن بود از همه پيشي مي‌گرفت لذا در طول 16 سال زعامت ايشان در حوزه‌ي علميه خدمات وكارهاي عام المنفعه‌ي بسياري انجام دادند كه خير آن شامل حال همه‌ي مسلمين شد. ساخت و احداث بيش از هزار مسجد، حسينيه، مدرسه، كتابخانه، بيمارستان، حوزه‌ي علميه، مراكز خدمات عمومي، دبيرستان و دبستان و سد در كشورهاي ايران، عراق، لبنان، اروپا و آفريقا از جمله خدمات ارزنده‌ي آن بزرگوار است كه از مهم‌ترين آن‌ها ساخت مسجد تاريخي و بناي عظيم مسجد اعظم قم مي‌باشد، همان يادگار آيت الله كه در حرم مطهر حضرت فاطمه‌ي مصعومه(سلام‌اللّه عليها) ميزبان زوّار محترم و مجلس درس طالبان علم مي‌باشد.

ابر رحمت بر سر همه

آيت الله بروجردي به تأسّي از مواليانش بسيار سخاوتمند بود و همواره به نيازمندان و فقرا رسيدگي مي‌كرد و خيلي كم پيش مي‌آمد كه كسي نزد آقا عرض حاجت كند و آقا او را دست خالي برگرداند بلكه همواره كمك آقا بيشتر از توقع سؤال كننده بود و ايشان با سخاوت و كرمي كه داشتند گشاده دستي مي‌نمودند و حتي در كمك به افراد، شخصيت آن‌ها را هم لحاظ مي‌كردند.

در يكي از سال‌هاي گراني كه مردم بروجرد از لحاظ زندگي خيلي در مضيقه بودند و سختي مي‌كشيدند مرحوم آيت الله العظمي بروجردي (رحمةالله‌عليه) حتي خانه‌ي خود را مي‌فروشد و به مصرف فقرا مي‌رساند. به علاوه املاك زيادي از پدر بزرگوارشان در بروجرد به ايشان ارث رسيده بود كه آقا يك يك اين املاك و اراضي را سخاوتمندانه مي‌فروختند و صرف رفع احتياج نيازمندان مي‌كردند به طوري كه يكي از دوستان آقا نقل مي‌كند: “روزي در بروجرد از زمين هايي كه قبلاً ملك ايشان بود مي‌گذشتيم ديدم حتي به‌اندازه‌ي يك وجب هم برايشان باقي نمانده است”.

ما چيزي را كه داده‌ايم پس نمي‌گيريم

قضايا در باب رسيدگي آقا به فقرا و سخاوت ايشان فراوان است كه ما در اين جا يكي از آن‌ها را نقل مي‌كنيم.

مرحوم آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) در بروجرد ملكي داشتند كه آن را در آن زمان، (حدود پنجاه سال قبل) شش هزار تومان (مبلغي در حدود ده الي پانزده ميليون تومان كنوني) فروخته بودند و پولش را در پاكتي گذاشته بودند، از طرف ديگر، فردي از ايشان شصت تومان پول براي كرايه‌ي منزل تقاضا كرده بود كه آن را هم در پاكتي ديگر گذاشته بودند. وقتي آن شخص مراجعه كرده بود آقا اشتباهاً پاكت حاوي شش هزار تومان را به ايشان داده بود و آن فرد وقتي پاكت را باز كرده و مبلغ را ديده بود به خدمت آقا برگشته و پاكت را به ايشان تقديم مي‌كند، اما آقا نمي‌پذيرند و پول را پس نمي‌گيرند و مي‌فرمايند: “چيزي كه داده‌ايم، پس نمي‌گيريم”.

پرهيز شديد از تعريف و تمجيدها

آن بزرگوار چون خودش را كسي نمي‌دانست غالباً از اظهار محبت‌هاي بيش از حد خشمگين مي‌شد. بسيار ديده مي‌شد كه وقتي كسي براي احترام به پاي ايشان مي‌افتاد ناراحت مي‌شدند و آن فرد را توبيخ مي‌كردند و مي‌فرمودند: “اين گونه احترامات فقط مخصوص امام معصوم(عليه‌السلام) است”.

شعراي زيادي اشعاري در مدح ايشان مي‌سرودند كه غالباً وقتي خدمتشان مي‌رسيدند و ابتداي شعرشان را كه در مدح اهل بيت (عليهم‌السلام) بود مي‌خواندند ايشان ديگر اجازه نمي‌داد بقيه‌ي شعر را بخوانند و هرچه شاعر اصرار مي‌كرد آن مرحوم نمي‌پذيرفت و مي‌فرمود تا اين جايش براي خدا و اهل بيت (عليهم‌السلام) بود همين مقدار كافي است و گاهي تمجيد كنندگان خود را مورد مؤاخده قرار مي‌داد و به همين جهت بود كه كمتر كسي جرأت مي‌كرد در محضر آن بزرگوار از ايشان تعريف كند زيرا غالباً مورد مؤاخذه قرار مي‌گرفت.

بيست و پنج هزار تومان، نه كمتر نه بيشتر

يكي از علما نقل مي‌كند كه زماني بيست و پنج هزار تومان قرض داشتم و سررسيدش فرداي آن روز بود و مي‌بايست كل مبلغ را يك جا پرداخت مي‌كردم و طلبكاران هم گفته بودند كه وقت را عقب نيانداز وگرنه چه مي‌كنيم و مرا تهديد كرده بودند. من آن شب خيلي ناراحت بودم و در همان شب به پروردگار عرض كردم: خدايا من كه راهي ندارم، خودت عنايتي فرما.

عالم بزرگوار نقل مي‌كند: صبح زود ديدم كه كسي محكم در مي‌زند، در را باز كردم، ديدم خادم آيت الله بروجردي است، متوجه شدم عجله دارند و نفس نفس مي‌زنند، پرسيدم: چرا با اين همه عجله؟

گفت: بس كه آقا اصرار فرمودند كه زود خودت را برسان، من تا اين جا دويدم.

از خادم پرسيدم مگر آقاچه فرموده‌اند، گفت: فرمود ايشان در ناراحتي عجيبي به سر مي‌برند، برو و ناراحتي ايشان را رفع كن و اين پاكت را براي شما دادند. خادم را براي صرف صبحانه دعوت كردم و همين طور كه ايشان مشغول صرف صبحانه بودند پاكت را باز كردم، ديدم مبلغ زيادي پول است، وقتي شمردم ديدم دقيقاً بيست و پنج هزار تومان است. ناخودآگاه گفتم: الله اكبر . خادم گفت: چه شده است. گفتم: آقا درست بيست و پنج هزارتومان فرستاده است نه كمتر و نه بيشتر با اين كه از چيزي خبر نداشتند. خادم سرش را تكان داد و گفت: آقا فرمودند ايشان مقروض هستند و سر رسيد قرضش الآن فرا مي‌رسد، آبرويش در خطر است.

ما هم مبهوت شديم كه آقا چطور از راز نهان ما خبر يافتند و اين از كرامات آقا بود كه با الهامات غيبي از امور پنهان مطلع بودند.

جسد مبارك آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه) در هنگام غسل پاي خود را جمع مي‌كند

يكي از مقلدين آقا نقل مي‌كند كه من خيلي دوست داشتم كار غسل و تدفين آيت الله را انجام دهم از بيت آقا درخواست كردم، آن‌ها نيز موافقت نمودند. هنگام غسل آقا ما هنوز آبي نريخته بوديم كه متوجه شدم چشم‌هاي آقا اين طرف و آن طرف را نگاه مي‌كند. با خودم گفتم: حتماً من اشتباه مي‌بينم ولي در نگاه ديگر متوجه شدم كه آقا تبسم كرده‌اند و لبخند مي‌زنند. باز باور نكردم و كار غسل را با دو دستم ادامه دادم، در همين بين از سر محبت به دلم آمد پاي آقا را ببوسم همين كه خواستم اين كار را بكنم، در كمال ناباوري آقا پايشان را جمع كردند، اين وجود مبارك آن حالت تواضع را حتي پس از مرگ هم داشتند، چون در زمان حياتشان هيچ وقت اجازه ندادند كسي پايشان را ببوسد.

حتي بعد از اين كه مراسم غسل و تكفين انجام شد هنگام دفن آقا، مرحوم حاج آقا مجتبي عراقي كه مأمور دفن بودند مي‌گفتند هنگامي كه تلقين خوانده مي‌شد من سرم را داخل قبر مي‌كردم و زمزمه اي داخل قبر مي‌شنيدم گويا آقا جواب تلقين را مي‌دهند و همين كه سرم را از قبر بيرون مي‌آوردم ديگر چيزي نمي‌شنيدم.[2]

شايد اين گونه كرامات براي ما عجيب باشد ولي براي كسي كه همه چيزش دينش بوده و همه چيزش امام زمانش بوده، عجيب نيست. اين چنين عباد مخلَصي چون عزيز و محبوب درگاه پروردگارند، خداي مهربان براي اين كه مردم، بيشتر آن‌ها را بشناسند و به علوّ مقامشان آگاه شوند اين گونه كرامات را از آن‌ها نشان مي‌دهد تا از هر جهت الگو و سرمشق ديگران باشند.

كوچ غمبار[3]

در آن سپيده‌ي فراموش نشدني شكافي به وسعت غم و اندوه 90 ميليون شيعه و هزاران مسلمان ديگر در اسلام پديد آمد. آن روز، عبدصالح خدا و سرباز مجاهد و وفادار امام زمان(عليه‌السلام) بعد از اين كه با خواندن نماز صبح با محبوبش هم سخن گشت و قدري استراحت نمود، به راحتي و در اوج لذت و حلاوت با گفتن سه مرتبه “لَا إلَهَ إلَّا اللَّهُ” جان به جان آفرين تسليم كرد و به ديدار مواليانش شتافت.

به مجرد انتشار خبر رحلت در ساير نقاط كشور، همه‌ي ايران به صورت عزاخانه در آمد و مردم همگي دست از كار و كسب كشيدند و در حالي كه در فراق مرجع فقيدشان اشك مصيبت مي‌ريختند به سر و سينه زنان دست‌هاي عزاداري را در شهرها به حركت درآوردند. جاده‌هاي منتهي به قم در مدت كوتاهي مملو از اتومبيل شد به طوري كه در جاده‌ي تهران– قم صف طويلي از اتومبيل‌ها پشت سر هم همچو زنجيري متصل تشكيل شد و جمعيت انبوهي وارد شهر قم شدند.

اما قم، آن روز كربلايي ديگر بود و صداي ناله و فغان مردمش به آسمان مي‌رفت. انبوه مردم مصيبت زده به همراه سيل عزاداران ديگر شهرها بعد از 5/4 ساعت انتظار، پيكر مرجع محبوبشان را تحويل گرفتند و جنازه‌ي آن بزرگوار همچو برگ گلي به روي دست مردم به اين طرف و آن طرف مي‌رفت و صداي تكبير 200 هزار نفري مردم به فضاي شهر، حال و هوايي خاص داده بود.

آن روز، شهر قم شاهد منظره‌اي بود كه ديدن آن قلب هر سنگ دلي را به رقت مي‌آورد. گويا عاشورايي ديگر بود و حسيني ديگر از ميان مردم مي‌رفت. اين جا بود كه آسمان هم ديگر تاب نياورد و به نشانه‌ي همدردي با عزاداران دل سوخته با آن‌ها هم ناله شد و در فراق آيت اللّه بروجردي(رحمةالله‌عليه) گريست، يكدفعه ابري سياه بالاي سر جمعيت عزادار پديدار گشت و باران غم بر سر تشييع كنندگان باريدن گرفت.

عزاداران حسيني بعداز آخرين وداع با مرجع محبوبشان پيكر آن ولي به حق خدا را در جوار حضرت فاطمه معصومه(سلام‌اللّه عليها) به خاك سپردند تا براي هميشه جسم شريفش در مجاورت فاطمه‌ي معصومه(سلام‌اللّه عليها) آرام بگيرد.

بعد از رحلت آقا تا 40 روز در ايران، عراق، پاكستان و بسياري از شهرها و كشورهاي ديگر مجالس عزا برپا بود و حتي كليساهاي ارامنه و معابد يهوديان نيز عزادار مرجع والامقام شيعه شده بود. شهر قم آن زمان تا 40 روز يكسره اشك و ناله و فغان(فرياد) بود. گروه گروه مردم عزادار و دسته‌هاي مختلف وارد شهر مي‌شدند و وقتي نگاهشان به گنبد زيباي مسجد اعظم مي‌افتاد عنان از كف مي‌دادند و صداي ناله و شيونشان همه‌ي شهر را گريان مي‌كرد.

منابع:

"زندگاني آيت الله بروجردي(رحمةالله‌عليه)”، "علي دواني"

"زندگي آيت الله بروجردي(رحمةالله‌عليه)” (مكتب فقهي و رجالي ايشان)، "واعظ زاده‌ي خراساني"

"الگوي زعامت"، "محمد علي آبادي"

"آيت الله بروجردي(رحمةالله‌عليه) قله‌ي رفيع فضيلت و تقوي"، "محامد علي"

"عنايات حضرت ولي عصر(عليه‌السلام)"، "سيد جواد معلم"

"آثار الحجه"، "محمد شريف رازي" ‌ ‌

"المجتهد الأكبر"، "سيد صالح شهرستاني"

"خاطرات زندگاني آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه)”، " علوي طباطبايي"

"گنجينه‌ي دانشمندان"، "محمد شريف رازي"

"مقدمه ابواب الهدي"، "سيد محمد باقر نجفي يزدي"

"داستان‌هاي شگفت"، "آيت الله دستغيب"

و مصاحبه با سيد جواد علوي ،

نوه‌ي آيت الله بروجردي (رحمةالله‌عليه.)

پي‌نوشت‌ها:

[1] – سوره بقره، آيه 148

[2] – مصاحبه با سيد جواد علوي.

[3] – رحلت آيت الله العظمي بروجردي (رحمةالله عليه) در صبح روز پنج‌شنبه 12‌ (يا 13‌) شوال 1380‌ ه.ق مصادف با 10‌ فروردين سال 1340‌ ه.ق به وقوع